

تحلیلی تطبیقی میان زبان فارسی و گویش ایلامی

علی اکبر شیری

کارشناس ارشد زبان‌شناسی (آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان)

مقدمه

مقایسه میان دو یا چند زبان/ گویش و گردآوری موارد مشابه و متفاوت آنها یکی از وظایف زبان‌شناسی است، که در شاخه «زبان‌شناسی تطبیقی»^۱ به آن پرداخته می‌شود. به این منظور زبان به بخش‌ها و سطوح مجزایی تقسیم می‌گردد، تا همه زوایا و ابعاد آن مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. سطوح زبانی^۲ که در تطبیق زبان‌ها به آن توجه می‌شود، عبارتند از: آواشناسی، واج‌شناسی، ساخت‌واژه، نحو، واژگان و کاربردشناسی.

همان‌طور که می‌بینیم مطالعه تطبیقی دو یا چند زبان دارای ابعاد گوناگون و فراوانی است و بدیهی است که مقایسه کامل دو زبان/ گویش در همه ابعاد کاری بس گسترده است؛ بنابراین در این نوشته، نگارنده در نظر ندارد که تحلیلی همه‌جانبه در مقایسه زبان فارسی و گویش ایلامی ارائه دهد، بلکه می‌کوشد براساس پاره‌ای داده‌ها، از خطاهای زبانی که از جامعه زبانی شهر ایلام جمع‌آوری شده است، تحلیلی مقایسه‌ای میان گویش ایلامی و زبان فارسی - تنها در سطح واژگان - ارائه نماید.



مشاهدات و تحقیقات نشان داده است که هرگاه دو یا چند زبان/گوش با هم تماس و برخورد یابند، حالت‌های متفاوتی در ارتباط میان آنها ایجاد می‌گردد:

حالت اول: اینکه زبان/گوش‌های در ارتباط به‌طور تقریباً یکسانی بر هم اثر می‌گذارند و فرایند قرض‌گیری واژگان میان آنها در حد متعادلی صورت می‌گیرد.

حالت دوم: حالت اول معمولاً نادر است چون در برخورد میان زبان‌ها/گوش‌ها، نمی‌توان تصور کرد که همه آنها از پایگاه و قدرت کاملاً یکسان و برابری برخوردار باشند و به یک میزان بر هم تأثیر بگذارند، بلکه معمولاً یکی از آنها به‌خاطر برتری که نسبت به دیگران دارد غالب می‌گردد و دیگری را مغلوب خویش می‌کند و به همین خاطر به اصطلاح از پرستیژ بالاتری برخوردار می‌گردد. البته این پایگاه عالی‌تر ناشی از توانایی ذاتی زبان نیست، بلکه توجهات و علل غیرزبانی از نوع موقعیت علمی، نظامی، اقتصادی و ... دارد؛ به همین سبب است که در یک مقطع زمانی تسلط زبان عربی بر فارسی دیده می‌شود و در مقطع دیگری غلبه زبان‌های اروپایی به‌ویژه فرانسوی و انگلیسی هم بر زبان فارسی و هم بر اکثر زبان‌های موجود در دنیا، و نیز چنین است تسلط زبان فارسی بر دیگر گوش‌های موجود در ایران.

زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی کشور از چنان قدرت و پایگاهی برخوردار است که به راحتی گوش‌های محلی را تحت نفوذ خود درآورده است اما همین‌طور که در این جستار می‌بینیم، گوش کردی ایلامی در این میدان رویارویی، حریفی نیست که به سادگی میدان را ترک کند، بلکه خود را به صورت‌های مختلف- حتی در فارسی مورد کاربرد مردم بومی- نشان می‌دهد؛ به این معنی گویشور ایلامی وقتی که از زبان فارسی استفاده می‌کند، سایه و اثری از گوش مادری نیز در گفتارش دیده می‌شود، چه در تلفظ آواها و معنای کلمات، و چه در شیوه‌های کاربرد جملات.

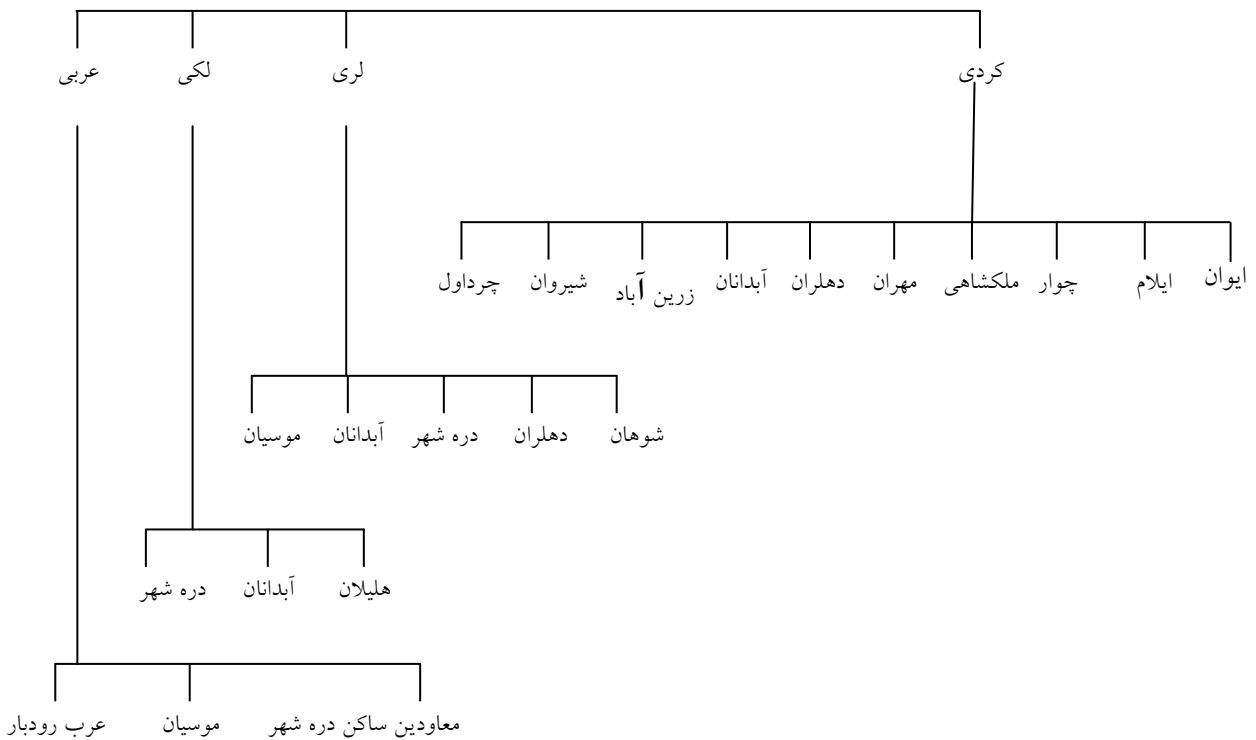
۱- گوش مردم ایلام

استان ایلام واقع در غرب ایران، منطقه‌ای است دو زبانه، به‌طوری‌که اغلب مردم آن علاوه بر گوش محلی بر زبان فارسی معیار نیز تسلط دارند. گوش محلی غالب در این منطقه گویشی از



زبان کردی است که در این نوشتار از آن به عنوان «گویش ایلامی» نام برده می‌شود. گویش‌های محلی دیگری نیز در این استان رایج است. در نمودار زیر، گویش‌های عمده موجود در منطقه و حوزه جغرافیایی کاربرد هر کدام نشان داده می‌شود:

گویش‌های بومی مردم ایلام

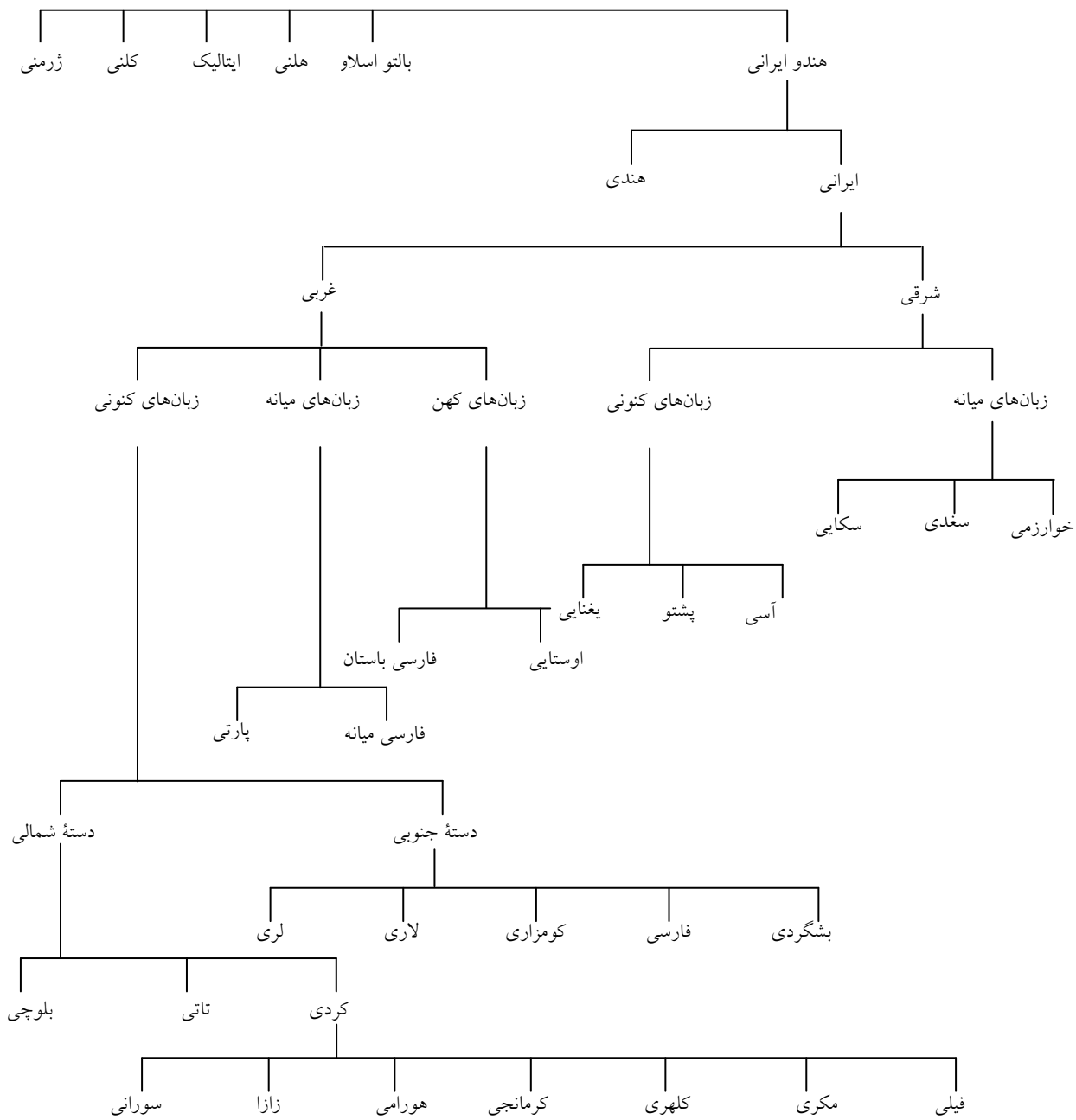


ایوان

زبان کردی خود به عنوان یکی از شاخه‌های زبان‌های ایرانی، دارای سابقه و ریشه‌ای محکم است که جایگاه و نوع ارتباط و خویشاوندی آن، در نمودار زیر نشان داده می‌شود.^۳



زبان هند و اروپایی





۲- طرح مسئله

در مقایسه دو زبان/ گویش، هم وجوه تشابه آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد و هم وجوه تفاوت. گویش ایلامی به‌عنوان یکی از گویش‌های زبان کردی به‌خاطر هم‌ریشگی با زبان فارسی دارای مشترکات و شباهت‌های زیادی به فارسی است، اما آنچه در این مقاله مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد، برخی تفاوت‌های آن دو است به‌ویژه در سطح واژگان. عدم توجه به این تفاوت‌ها، در هنگام استفاده گویشوران ایلامی از زبان فارسی، باعث بروز خطاهایی زبانی می‌گردد که اغلب ریشه در تداخل دو زبان/ گویش دارد.

ما هنگام استفاده از یک زبان/ گویش، یک رمز (کد) مجزا به‌کار می‌بریم و دریافت یک پیام زبانی در واقع برابر است با رمزگردانی آن پیام؛ به این معنی که شنونده/ خواننده علائم قراردادی زبانی را براساس دانشی که از آن زبان/ گویش دارد به معانی و مفاهیم برمی‌گرداند؛ پس استفاده از یک زبان/ گویش، استفاده از یک مجموعه رموزها (کدها) است و بر پایه این توضیحات نتیجه می‌گیریم که هر زبان در واقع یک کد ارتباطی است.^۴

فرد دو زبانه در حقیقت از دو مجموعه رمز (کد ارتباطی) جداگانه برخوردار است و گاهی به‌دلیل برخی عوامل، چون بی‌دقتی و نداشتن تمرکز ممکن است در استفاده از یک زبان میان کدهای ارتباطی مجزا تداخل ایجاد گردد که سبب بروز خطاهای زبانی از قبیل موارد ذیل می‌گردد:

خطاهای زبانی	صورت درست
ترسش می‌ره	می‌ترسد
راه نمی‌برم	بلد نیستم
در یادم نبود	یادم نبود
به رویش زدم	پوشاندمش
دستگیرت می‌کنم	بهت اطلاع می‌دهم



برای تهیه این مقاله نزدیک به صد مورد از این‌گونه خطاها از گفتار گویشوران ایلامی در هنگام استفاده از زبان فارسی، گردآوری شده است و نگارنده می‌کوشد با طبقه‌بندی این خطاها و تحلیل آنها به توصیف و توضیح قابل قبولی در زمینه مقایسه میان زبان فارسی و گویش ایلامی برسد.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

با بررسی مجموعه خطاهای گردآوری شده نتیجه می‌گیریم که برای رسیدن به یک تفسیر و توضیح مناسب باید ابتدا آن را در انواع مجزایی طبقه‌بندی کرد و سپس با توجه به داده‌های موجود در هر طبقه تحلیل و تفسیری مناسب از هر نوع را مطرح کرد.

۳-۱- اختلاف در گستره معنایی یک واژه

هر واژه در هر زبان دارای یک حوزه و گستره معنایی است، که به راحتی در آن حوزه به جولان درمی‌آید و جلوه‌های متفاوتی را از خود نشان می‌دهد. کاربردهای متفاوت یک واژه با توجه به متن و بافتی که در آن قرار می‌گیرد معمولاً باعث می‌شود که نتوان واژه را مقید به معنا و کاربرد واحدی نمود. همین امر اغلب موجب نارسایی و ایجاد اشکال در آثار ترجمه شده می‌گردد؛ مثلاً واژه «گرفت» را در نگاهی سطحی با واژه «أَخَذَ» در عربی، هم‌معنی می‌دانیم، در حالی که نمی‌توان در همه جا آن دو را به‌جای هم به‌کار برد و مثلاً نمی‌توان به‌جای جمله «دلَم گرفت» گفت «أَخَذَ فؤادی».

در گویش ایلامی نیز به واژه‌هایی برمی‌خوریم که گستره معنایی‌شان با گستره معنایی واژه‌های مترادفشان در زبان فارسی متفاوت است. مصدر «داین» /dāyen/ در گویش ایلامی با مصدر «دادن» در فارسی مترادف است، اما وسعت میدانی که این واژه برای کاربرد در اختیار دارد، متفاوت است.



دادن: قرض داین = قرض دادن	}	/dāyen/ «داین»
زدن: واکس داین = واکس زدن		
کردن: پرت داین = پرت کردن		
گفتن: درو داین = دروغ گفتن		

عدم توجه به این تمایز معنایی و کاربردی، باعث می‌گردد که خطاهایی زبانی از قبیل خطاهای ذیل از گویشوران ایلامی - به‌ویژه در بین کودکان - هنگام استفاده از زبان فارسی سر بزنند.

صورت درست	صورت خطا
به خدا راست می‌گم	به خدا راست می‌دم
زد تو سرم	داد تو سرم
کفشامو واکس زدم	کفش مو واکس دادم
من به بچه‌ها گوشزد می‌کنم	من به بچه‌ها گوشزد می‌دم

۳-۲- تفاوت معنایی واژه‌هایی با صورت یکسان

در گویش ایلامی گاه به واژه‌هایی برمی‌خوریم که دارای صورت یکسان یا نزدیک به فارسی است اما معنای آنها در گویش ایلامی با معنای آنها در فارسی متفاوت است؛ مثلاً واژه «مال» در فارسی نیز - با اندکی تفاوت در تلفظ - وجود دارد اما معنی آن در گویش ایلامی با معنی آن در فارسی متفاوت است.

در فارسی: متعلق بودن؛ این کتاب مال من است
 در گویش ایلامی: منزل، خانه؛ /mālemān dira/ (منزلمان دور است) مال

برخی خطاهای زبانی از قبیل موارد زیر - که بیشتر در گفتار خردسالان دیده می‌شود - از این امر ناشی می‌گردد. مثال:

صورت صحیح	صورت خطا
از منزل عمه آوردمشان خانه‌مان آنجاست	از مال عمه آوردمشان مالمان آنجاست

و همچنین اصطلاح «ده‌زگیر کردن» /dazgir kerden/ در گویش ایلامی از نظر ظاهر معادل «دستگیر کردن» فارسی است، اما معنای این دو کاملاً متفاوت است و در گویش ایلامی به معنای «اطلاع دادن» است. توجه نکردن به این تفاوت معنایی باعث ایجاد خطای زبانی و سوء تفاهم می‌گردد.

صورت صحیح	صورت خطا
به شما اطلاع می‌دهم	دستگیرتان می‌کنم

و یا واژه «دوسی» /dusi/ که با واژه «دوستی» فارسی معادل است اما به معنای «آشتی» به کار می‌رود.

صورت صحیح	صورت خطا
با او آشتی کردم	با او دوستی کردم

۳-۳- تفاوت در کاربرد حروف اضافه

تفاوت در کاربرد حروف اضافه گویش ایلامی با زبان فارسی، نیز به برخی خطاهای زبانی منجر می‌گردد که عمدتاً ناشی از برگردان تحت لفظی جمله‌ها و عبارتهای گویش ایلامی به فارسی است. نمونه‌هایی از آن در زیر می‌آید:

معادل فارسی	ترجمه تحت لفظی خطای زبانی	گویش ایلامی
در خانه بودم	از خانه بودم	/La māl bim/
در بالای میز بود/ بالای میز بود	از بالای میز بود	/La bāne miza bi/



مواردی نیز دیده می‌شود که حرف اضافه‌ای به صورت زائد به کار برده می‌شود که علت آن گرت‌برداری از گویش ایلامی است.

معادل فارسی	ترجمه تحت اللفظی = خطای زبانی	گویش ایلامی
دوباره می‌نویسم	از دوباره می‌نویسم	/Ladowāra nisenem/
یادم نبود	در یادم نبود	/da yādem nay/
خانه‌مان آنجاست	خانه‌مان در آنجاست	/mal hā dawra/

۳-۴- برگردان عبارت‌ها، اصطلاحات و کنایه‌های گویشی ایلامی به فارسی

ترجمه تحت اللفظی عبارت‌ها و جمله‌های یک زبان به زبان دیگر، همواره در ارتباط ایجاد اشکال می‌کند و باعث تولید عبارت‌هایی نارسا و گاه مضحک می‌شود. با وجود این براساس فرضیه لادو^۵ افراد مایلند در هنگام استفاده از زبان دوم صورت‌ها و معانی زبان خود را ترجمه کنند و صورت‌ها، معانی و زبان و فرهنگ بومی‌شان را به زبان و فرهنگ زبان دوم تعمیم دهند.^۶

خطاهای ناشی از این امر دارای بسامد بیشتری هستند و به‌طور کلی عمده خطاهای زبانی را می‌توان در این مجموعه جای داد که هم شامل عبارت‌های عادی معمولی می‌شود و هم شامل اصطلاحات و کنایه‌ها. در زیر نمونه‌هایی از این عبارت‌ها به همراه ترجمه تحت اللفظی (خطای زبانی) و معادل فارسی آنها می‌آید و می‌بینیم که ترجمه تحت اللفظی این عبارت‌ها چگونه موجب تولید عبارت‌هایی غریب و غیرعادی می‌گردد.



معادل فارسی	ترجمه تحت لفظی = خطای زبانی	گویش ایلامی
پوشاندمش	زدم به رویش	/dām wa mele/
سییلمان را چرب کن	دهنمان را ببین	/damemān bin/
باهاش شوخی کردم	سر تو سرش گذاشتم	/sar nāma sare/
باعث رزقش شد/ از کار برکنارش کرد	نانش برید	/nāne beri/
در رودربایستی نیندازش (با تعارف زیاد)	او را به پشت نینداز	/naxaray wa pešt/
بلد نیستم	راه نمی‌برم	/re nēwam/
تحویل دادم	دادم دست	/dāma das/
می‌ترسم	ترسم می‌ره	/zēlegem ču/
مگر شهر هرت است	مگر هر کسی برای خودش است	/parā harka parāy xaya/
سرافرازمان کردی / خوشحالمان کردی	سبزمان کردی	/sawzemān kerdi/

۴- نتیجه‌گیری

استان ایلام به‌عنوان یکی از مناطق دو زبانه، در کنار استفاده از زبان رسمی کشور (فارسی)، دارای گویش محلی و بومی است که شاخه‌ای از زبان کردی است.

این گویش همانند دیگر گویش‌ها، دارای ویژگی‌های خاصی از نظر آوایی، واژگانی، نحوی و کاربردی است، که آن را از زبان فارسی متمایز می‌گرداند.

در این جستار تلاش شده است، که با تحلیل داده‌هایی از خطاهای زبانی گویشوران ایلامی در هنگام استفاده از زبان فارسی، تحلیلی تطبیقی از مقایسه میان این دو، در سطح واژگان ارائه گردد.

با طبقه‌بندی داده‌ها، این حقیقت روشن می‌گردد که تأثیر زبان/ گویش مادری افراد بر زبان دوم- در اینجا زبان فارسی- باعث تداخل کدهای ارتباطی متفاوت می‌گردد و عبارتهایی تولید می‌شود که برای فارسی‌زبانان غیرعادی و غریب است.



شناخت کامل هر زبان / گویش و آگاهی یافتن نسبت به مختصات واژگانی، معنایی و کاربردی آن موجب می‌شود، که اهل زبان به بهره‌گیری مناسب از این موهبت الهی، با مخاطبان خود ارتباطی هرچه بهتر برقرار کنند و در تکامل ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی خود بکوشند.

پی‌نوشت‌ها

1. Contrastive Linguistics.
2. Ziahosseiny, S. M., *Introducing contrastive Linguistics*, Islamic Azad University, 1994, p. 1.
۳. باقری، مه‌ری، *تاریخ زبان فارسی*، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۶، ص ۲۸ و ۱۰۴؛
- Yule, George, *The Study of Language*, Cambridge, Cambridge University Press, 1985, p. 168.
4. Wardhaugh, Ronald, *An Introduction to Sociolinguistics*, Basil, Blackwell, 1986, p 86- 111.
5. Lado.
۶. کشاورز، ۱۹۹۴، ص ۵.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن، *تاریخ زبان فارسی*، تهران انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
- باقری، مه‌ری، *تاریخ زبان فارسی*، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۶.
- سارایی، ظاهر، *شاعر قله‌های مه‌آلود*، تهران، انتشارات گویه، ۱۳۷۹.
- ناتل خانلری، پرویز، *تاریخ زبان فارسی*، تهران، نشر نو، ۱۳۶۹.
- A contrastive analysis of persian and English & analysis, Tehran, Vira, 1999.
- Fairclough, Norman, *Language and power*, London, Longman, 1994.
- Hudson, R. A., *Sociolinguistics*, Cambridge, Cambridge University Press, 1980.
- Richards, Jack C., *Error Analysis*, London, Longman, 1984.